

متن پرسش

سلام استاد بزرگوار: امیدوارم که همیشه در صحت و سلامت باشید ممنون از کتابها، صوتها و سخنرانیهای ارزشمندتون. شما از نگاهی نو و تازه همه مباحث را مطرح می‌کنید واقعا خالق یک گفتمان هستید. خیلی به خدا رو شاکرم برای اینکه به واسطه استادی که کتابهای شما را به من معرفی کرد. از سال ۹۳ به طور جدی در مباحث شما هستم و در حال تدریس بعضی از کتب شما در حوزه انسان شناسی و گاه مباحث انقلاب اسلامی، ولی سالهاست یک موضوعی در ذهن من از شما می‌چرخد و آن اینکه چرا شما وقتی از بعضی شخصیت‌های سیاسی یا گاه اجتماعی صحبت می‌کنید به نظرات قطعی بیان می‌کنید؟ گاهی در ذهنم می‌چرخد نکند استاد بغض و کینه شخصی از این افراد دارد که اینگونه تند صحبت می‌کند؟ مثلا برایم لاینحل است چرا شما راجع به شخص آقای هاشمی رفسنجانی اینقدر نظرات قطعی دارید؟ یادمه یه بار در جلسه ای بیان کردید خدای هاشمی خدای خمینی را کشت. واقعا شخصیت آقای هاشمی اگر به فرض دچار انحراف شده باشد چرا رهبر عزیزمان اینگونه در متن پیام ارتحال از ایشان یاد کرد. و متاسفانه این موضوعات به شدت در شاگردان شما رواج دارد. من تمام صوتهای شاگردان شما را هم گوش می‌دهم. مثلا در فایلی استاد حسینی داستانی از همراهی آقای هاشمی با رهبر معظم انقلاب در زمان جوانی داشتند به جایی رهبر معظم وقتی دیدند بچه های آن روستا دچار زنبور گزیدگی شدید شدند وردی خواندند و تمام آثار از آنها رفع شد و آقای هاشمی فرمودند چه خواندی ایشان گفتند فلان ورد را و ایشان فرمودند پس چرا برای من نشد و در ادامه استاد حسینی فرمودند فکر می‌کنند همه جا می‌شود با سیاست پیش رفت و سیاسی بازیه... واقعا شما این کفتمان را می‌پذیرید؟ یا استاد فرهادی که واقعا چنان با بغض شدید گاه در مسایل سیاسی ورود می‌کنند که نمی‌دانم چه بگویم و استاد موسوی و... واقعا شما که راه شهید بهشتی را رفتید و کادر سازی بسیار جالبی انجام دادید از شاگردانی که الحق و الانصاف دارند مجاهدت می‌کنند همین استاد حسینی، استاد فرهادی، استاد متقی، استاد موسویان، استاد اصفا و... من همش تو ذهنم می‌چرخه چون استاد طاهرزاده گاه با بغض نسبت به بعضی مباحث صحبت می‌کنند اینها هم همین راه را ادامه می‌دهند. واقعا دوست دارم در این زمینه پاسخی بشنوم که دلم از استاد، استاد طاهرزاده ای که سالهاست از ایشان می‌نوشم قرص تر شود. در پایان خیلی تشکر می‌کنم از مباحث شما، ای کاش در اصفهان بودم و به پای شما می‌افتادم که مرا در اخلاق سلوک دهید. استادی که سالها از او می‌نوشم اما یکبار موفق نشدم نصیحت یا تذکر مستقیمی از ایشان دریافت کنم. خوشا به حال شاگردان شما. یا علی

باسمه تعالی: سلام علیکم: مسلماً دلیلی ندارد که بنده و امثال بنده با آقای هاشمی حساب شخصی داشته باشیم. اتفاقاً در ابتدا ارادت بسیاری به ایشان داشتیم تا اینکه با ریاست جمهوری ایشان، مسیری شکل گرفت که از نظر امثال ما انحراف از مسیر انقلاب بود و در جلسه‌ای که خدمت آیت الله مصباح و دکتر حداد عادل تشکیل شد، همه نگران بودیم که چرا با چنین مسائلی روبرو شدیم و بحث «چه شد که کار به قتل امام حسین کشیده شد؟» در همین فضا عرض شد. به نظر می‌آید در نمازی که حضرت آقا برای آقای هاشمی خواندند آن جمله ای که عموماً برای میت خواند می‌شود حتی به اغماض؛ برای آقای هاشمی نخواندند که بگویند: «اللهم إنا لا نعلم منه إلا خيراً.» موفق باشید